دستورالعمل امام به هیئت رسیدگی جنگ ایران و عراق

باید متجاوز بیرون برود و یک هیئت بین المللی به جنایات عراق رسیدگی کند

اعضای شورای عالی دفاع و دادستان کل کشور با امام دیدار کردند

درصفحات ۲ و ۱۲

اطلاعات

۱۲ صفحه

دوشنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۹ بیست و چهارم ربیع الثانی ۱۴۰۱

دوم مارس ۱۹۸۱ شماره ۱۶۳۷۳ ـ تکشماره ۱۵ ریال

شورای عالی دفاع :

راه حل تحمیلی هم مثل جنگ تحمیلی غیر قابل قبول است

رئیس جمهوری : به قیمت جان بر سر آنچه باور داریم ایستاده ایم

درصفحات ۲ـ۱۱ و ۱۲

هیات بررسی جنگ مذاکرات خود را در بغداد آغاز کرد

امام خمینی در دیدار با اعضاء دفتر تبلیغات مدرسه عالی شهید مطهری :

آنقدر که کشور ما از «دانشگاه» و «فیضیه» صدمه دیده از جاهای دیگر ندیده است

درصفحه ۱۲

سیاست دولت برای مقابله با گرانی اعلام شد

درصفحه ۲

پایگاههای مرزی عراق در جبهه مریوان منهدم شد

- هجوم دیروز عراق برای نفوذ به آبادان شکست خورد
- دو پادگان عراق زیر ضربات تهاجمی ایران قرار گرفت

درصفحه ۲

۴ نفر به دادگاه جرائم زمان جنگ احضار شدند

درصفحه ۲

تظاهرات وسیع عراقیها در تهران

درصفحه ۹

رنجنامه شکنجه شدگان عراقی تسلیم هیات بررسی جنایات عراق شد

درصفحه ۹

نتیجه مذاکرات ۲ روزه با هیات بررسی جنایات عراق

تا خروج کامل نیروهای متجاوز از خاک کشورمان ایران هر گونه صلح با عراق را رد کرد

درصفحه ۱۱

برای مدت یک هفته:

مجلس طرح سرپرستی ۳ وزارتخانه بوسیله نخست وزیر را مسکوت گذاشت

در صفحه ۳

سخن روز

انقلاب را «خط شهادت طلبی» پیروز کرد و با انحراف از آن سقوط حتمی است

★ من محاصره اقتصادی را که دیگران از آن می‌ترسند هدیه‌ای برای ملت میدانم «امام»

با معتقدیم که مسئله رفاه ورفاه‌طلبی را تاسرحد تبلیغ و استفاریک «خط» ویك «جریان» وامن‌زدن‌وتعقیب کردن، خطرانی بزرك و تاثیراتی فاجعه‌انگیز بدنبال می‌آورد. دوستان و برادرانی که این روزها مسئولیت های خطیر کشوری را برعهده دارند از رئیس جمهور گرفته تا مسئولان عادی در سطوح پائین باید روی این نکته بیشتر ودیقتر متمرکز شوند که مبادا طرح و تبلیغ‌ودفاع آنان از حقوق اقتصادی ونیازهای مادی به وضعیتی منجر شود که جامعه تحت فشار رفته رفته رفاه‌طلبی را «اصالت» و «قدم» داده و آنرابه‌انگیزه‌ی حرکت تبدیل کند. چنین چیزی بغایت خطرناك است. دامن‌زدن به این مسئله بصورت پایه‌گذاری ورشد و تقویت یك «خط» و یك «جریان» در حکم کنن کردن تیغی است که گلوی انقلاب راخواهد برید. زیرا همچنانکه پیش از این گفتیم زمینه‌ها و امکانات بالقوه‌ی رشد و پذیرش این امور بسیار زیادو بسیار مساعد و مهیا است.

آنچه از رسوبات نظام پیشین هنوز باقی است‌رهنك مصرف و رفاه است. لازم نیست که من و شماوابسته به بورژوازی یا بورژوازی کمپرادور باشیم تا به چنین فرهنگی مبتلا باشیم. این روحیه درمیان اقشار و طبقات متوسط‌وپائینتر از آن‌نیز وجود دارد. خط امام چنانکه سال های سال در رفتار و اخلاق‌او مشهود بوده است و آزمختن و آموزش‌های مکرر وی استنباط می کنیم «خط مقاومت» است، خط «شهادت‌طلبی»، خط «ایثار» وخط «مصیبتها و ضربات سخت‌نومید کننده»را به «کورمای برای خودساختن و آبدیده شدن» تبدیل کردن است.

امام ازبیان واقعیت‌ها و گزارش آن به‌توده های ملت گریز ندارد. او خود نخستین کسی است که از نخستین روزهای انقلاب تاامروز همواره‌خرابیها، نارسائی‌ها وابعاد روحیه اقتصادی را برای مردم تشریح کرده است. تاآنجا که بسیار پیش از این در کنار دیگر کلمات و جملات امام این عبارت را نیز باخطی درشت و زیبا بر دیوار نوشته بودند که: «اقتصاد ما ورشکسته است. امام خمینی»! به‌عنوان نمونه نگاه کنیدبه شعارهائی که بردیوار خیابان پشت برق ژاله نوشته‌اند که هنوز هم‌باقی است. اینهمه نشان‌میدهد که‌اقشاری‌خرابیهاوورشکستگی‌ها وضعف‌ها بقدری در پیامها و سخنان امام تکرار می شده است که بسیاری ذکر آنها را نیز در ردیف دیگرعبارات وجملات امام واجب دانسته و (البته بدون ذکر کلمات قبل وبعد از آن وگاه بطور ناقص) بردیوارنوشته‌اند.

امام خود می‌گوید: «نه‌چنان است که گمان کنید ما از ضعفها و فسادها بیخبریم. ما میدانیم که دراز گناهها ونهادها فسادهایی شده ومی‌شود. اما شما چرا کار های خوب و جنبه های مثبت رانمی‌بینید؟!» می‌بینیم که بر اساس این خط‌مشی، ذکر خرابیها وضعفها «به‌تنهائی» و بدون توجه‌به نقاط مثبت و نقاط‌قوت ونیروبخش‌زیادبار است. امام مرتبا هدفها و انگیزه‌ها وشعارهای مردم در ایام انقلاب را مطرح کرده و در خاطره‌ها تجدید می‌کند. «در آنوقت اشخاص خودشان منسی (فراموش شده) بودند، هیچیك بفکر خودشان نبودند، همه بفکر ملت بودند، حتی اگر در طول روز ناهار هم گیرشان نمی‌آمد متوجه نمی‌شدند. اصلا گرسنگی را نمی‌توانستندبفهمند بی‌خوابی را نمی‌فهمیدند. کفشها و کلاهها و جیب‌هایشان را گم می‌کردند و توجه نداشتند». یعنی که موانع مادی و تنگناهای اقتصادی و مشکلات رفاهی حتی نیازهای اولیه هم قادر نبود آنان را ازپیگیری رانقلاب

بقیه در صفحه ۲

خسارات عراق از ۱۵ شهریور ۵۹/۱۲/۱۵ تا ۱۳۵۹

نوع خسارت	تعداد	
هواپیما	۲۲۲	فروند
هلیکوپتر	۳۶	فروند
تانک و نفربر زرهی	۳۳۲۳	دستگاه
مهمات انداز	۵۹	دستگاه
انواع خودرو ارتشی	۲۶۵۷	دستگاه
آتشبار سنگین و سبک	۹۵۶	قبضه
ناوچه موشک انداز واژدرافکن	۲۹	فروند
کشتی لایروبی	۲	فروند
کشتی حامل مهمات	۸	فروند
پایگاه‌های نظامی، تاسیسات صنعتی، نفتی و پل	۴۳۴	نقطه

قابل توجه داروخانه‌ها وموسسات داروئی کشور

رجوع بصفحه ۹

تلفن های مستقیم سازمان نیازمندیهای اطلاعات

۳۱۲۴۱۳
۳۱۱۲۳۰
۳۰۳۷۰۲
۳۱۱۰۸۷
۳۱۱۲۱۹

عراقیهای رانده شده از میهنشان، دیروز در حالیکه شعار «مرگ برصدام» میدادند و عکسهائی از امام خمینی، شهید آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر و آیت‌الله‌زادمحکیم در دست داشتند در مقابل محل اقامت اعضاء هیئت ۸ نفره (هتل‌استقلال) دست‌به‌تظاهرات زدند.

یاسر عرفات در گفتگو با نمایندگان مجاهدین عراقی گریست

نماینده مجاهدین عراق : تمامی دریا های جهان نخواهند توانست، صدام را بشویند

بعد از ظهر دیروز پنجتن از نمایندگان مجاهدان عراقی رانده شده از وطن خود که درمقابل‌هتل استقلال‌اجتماع کرده بودند با یاسر عرفات رئیس دفتر سیاسی سازمان آزادی بخش‌فلسطین و عضو هیات سیمگی کننده به جنگ تحمیلی «راق علیه ایران‌دیدار و گفتگو کردند. در این ملاقات یکی از این عراقی ها گفت «دل ما با تو است و دل تو هم باید با ما باشد.شما باید نظرات خود را صریحا اعلام دارید چرا که آنکس که از خدا میترسد از دیگران‌باکی به دل نداره».

عرفات در پاسخ گفت:شما میدانید که رژیم اشغالگرقدس علیهما کاملا بسیج شده‌است و شب و روز لبنان را مورد حمله قرار می دهد. من به تنهائی با این دولت تجاوزگر روبرو هستم ،میگویم بتنهائی اما این مهم نیست. عرفات با استنادبه‌آیه حرض‌المومنین علی‌القتال ولانکلفو الانفسک، افزود : ما و برادرانتان در جنوب لبنان زیر بارش گلوله هستیم با این حال می بینیدکه من جبهه را ترک کرده و به خاطر عزت اسلام و مسلمین‌و جلوگیری از ریختن خون مسلمانان به نقاط مختلف‌جهان سفر میکنم، آنگاه یکی دیگر از مجاهدین عراقی گفت:آقای عرفات شما یک انقلابی هستید و ما نیز همینطور و اکنون این جمهوری اسلامی ایران استکه به ما پناه داده است پس از آنکه صدام کافر مارا آواره کرد ما از شما و تمامی گروه ها خواهانیم‌کمونیخیگیری‌تان مناسب با سرنوشت یک ملت باشد. فراموش‌نکنید که هیچیک‌ازجهانیان اعتراض به ستمی که بر ملت عراق‌رفت نکردند. هزاران تن از مردم عراق را آواره واموالشان را مصادره کردند. رژیم‌عراق از لحاظ ظلم و ستم در جهان بی‌مانند است. این رژیم‌زندان ها، کشتار ها و بدبختی‌های بیشماری رابه ملت عراق‌تحمیل

بقیه در صفحه ۲

غائبین جلسات مجلس به ملت معرفی میشوند

اسامی غائبین جلسه اخیر اعلام شد.

روابط عمومی مجلس‌شورای اسلامی اعلام کرد:

بنابه تصمیم هیات رئیسه مجلس از تاریخ ۵۹/۱۲/۸ اسامی غائبین (غیر موجه) جلسات علنی جهت اطلاع مردم در اختیار مطبوعات قرار خواهد گرفت.

اسامی غائبین جلسه علنی روز یکشنبه ۵۹/۱۲/۱۰ به شرح زیر است:

۱ـ سیداحمد هاشمی نماینده زنجان.

۲ـ محمد شجاعی نماینده زنجان.

۳ـ سیداحمد زرهانی‌نماینده دزفول.

۴ـ محمد نصرالهی نماینده آبادان.

دموکراتها، یکی از همکاران خود را قطعه قطعه کردند!

سنقر وکلیایی ـ خبرنگار اطلاعات

شخصی بنام صید علی اهل «گرگین دره» که قبلا بجرم همکاری با دموکراتهاتوسط سپاه پاسداران‌سنقروکلیائی دستگیر شده و بعدت دو ماه زندانی بود، پس از آزادی از زندان، بوسیله عده‌ای از افراد حزب دموکرات، شب هنگام در مقابل جشمه زرو فرزندانش، بقتل‌رسید وجسدش‌توسط آنان قطعه قطعه شد.

علت این اقدام هنوز روشن نشده است.

تشکیل ستادسهمیه بندی کالا تصویب شد

میوه، گوشت وماهی عید از ۱۵ اسفند توزیع میشود

صبح دیروز جلسه‌ستاد بسیج اقتصادی کشور به ریاست مهندس بهزادنبوی وزیر مشاوردرامورراجرائی وسخنگوی دولت در مقر نخست وزیری‌تشکیل‌گردید.

در این جلسه که بیش از ۵ساعت بطول انجامید تشکیل ستادسهمیه بندی کالا زیر نظروزارت‌بازرگانی تصویب شد تا مسئله‌سهمیه بندی را زیرنظرداشته‌باشد. همچنین قرارشدمیوه‌گوشت وماهی‌عید از ۱۵اسفندماه توزیع شود در این جلسه درمورد ازدیاد سهمیه‌بندی برای روستاها نیز بحث و بررسی شد.

بقیمت جان بر سر آنچه باور داریم ایستاده‌ایم

مکتر محمدالحسن بن‌مسجد وفی، جمهوری در ریاست کل در ادامه بیانات خود در جلسه دیروز شورای عالی جهاد اعلام کرد: جنگ با بیگانگان و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به جنگ با بیگانگان و دشمن علیه تمامیت ارضی و استقلال ما مربوط می‌شود و ما باورداریم که ایران و ایرانی را نباید بیگانگان و دشمن فرو ریزند و ما باورداریم که ما در مقابل دشمن ایستاده‌ایم

حجت‌الاسلام خوئینی نمایندهٔ ولیّ فقیه استان قم رضوی:

عاملین حادثه کاخک «مجازات خواهند شد»

بعضی از جریانات زندگی شخصی کاخک اشاره کردند که در آستانهٔ انقلاب اسلامی ایران در شهر کاخک و روستاهای اطراف آن حادثه‌ای رخ داد که در آستانهٔ انقلاب اسلامی ایران و ولایت فقیه رهبری و رئیس جمهوری انقلاب اسلامی ایران تحقیقات و بررسی شد. حادثه‌ای که در این حادثه‌ای که به رئیس جمهور و نخست وزیر و مقام انقلابی اعلام گردید بسیاری از جمله اکثر کارشناسی مواد مشاورات و جمعه تعطیل شد خود بود. در همین رابطه فرمانداری فریدونشهر نامه‌ای به وزارت کشور و سایر کارگرهای مرکزی پیرامون استان بدین حل و حادثه

خود باشاره به ویژگیهای انقلابی و اسلامی مردم کاخک گفت: من خودم شاهد بودم که در انقلاب رأی دهی مردم کاخک و دهی منتظر سیاهپور و دهی منتظر سیاهپور و دهی منتظر سیاهپور اراج مردم و ارشد کاخک و دهی منتظر سیاهپور انتظار داشتم که در انقلاب رأی دهی مردم کاخک و دهی منتظر سیاهپور و دهی منتظر سیاهپور

نامه سرگشاده حجت‌الاسلام سیدمحمد باقر حکیم خطاب به هیئت اعزامی از سوی کنفرانس طائف

صدام برای جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی، به هر جنایتی دست زده است

شخصی که در راس رژیم عراق قرار گرفته تمام مبارزین عراقی را متهم می‌کند که ایرانی‌الاصل و فارس‌نژاد هستند

تنها چیزی که ملت عراق می‌توانند درک کنند، اینست که رژیم صدام در برابر پرتگاه سقوط و نابودی قرار گرفته است.

در زندانهای «قصرالنهایه» عراق گورستان عظیمی از جنازه‌های بیشترین جوانان ملت عراق قرار دارد

کانون نمایندگان کشورهای سران کشورهای اسلامی ! السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

طی نیست که شما میدانید و ظیفه‌ایکه برعهده شما گذارده شده است بس عظیم و با اهمیت است. مخصوصا اینکه همه کشورهای اسلامی امروز با مورد تهاجم و تجاوز قرار گرفته‌اند و انجام این مهم را بیاد اسلام و مسلمین برعهده‌شما گذاشته‌اند.

کانون محترم می‌خواهم بعرض برسانم که ما مورد تهاجم سیاسی با شما به بحث بنشینم و اینکه بدانم نظریات شرکت‌کنندگان جوانب اخلاق اسلامی‌اشما میکند که نظرهای شما را انتقادی و اسلامی بدانیم.

کانون محترم اجازه بدهید که مبارزه مسلحانی با صدام که بر میخورد باید به امت اسلامی معرفی میشود، زیرا من از افراد صدام که علیه اسلام و مسلمانان و رهبرانی که در آنجا و جبهه و میدان، در جریان هستند و اجرای دستورات صدام بادیت و جرا با ایران روبرو و با پیشامدان اختلاف زیادی دارد. چرا که بشخصای محبوب و دلی صحیح میکنند. کانون سلو از مبارزه با رهبری ایران.

۱ـ انقلاب اسلامی ایران توانسته است که بزرگترین پایگاه استبداد و استعمار آمریکا را درمنطقه خلیج فارس از بین برد آن پایگاه، طبعی که در رژیم شاه معلوم که بحقیقت دوست صدام بود علاوه‌ملت عراق میباشد آنرو ملت مسلمان ایران نه فقط این پایگاه را از منطقه است، بلکه پایگاه ایران را بکلی از صحنه سیاسی و اقتصادی آمریکا و اروپا بیشتر دوست صدام بود علاوه‌ملت عراق میباشد آنرو ملت مسلمان ایران نه فقط این پایگاه را

گزارش از: سرویس اقتصادی اطلاعات

فشار گرانی بر گرده مستضعفین جامعه (۱)

هشدار: کودتاچیان اقتصادی در راهند

مالکین و سرمایه‌داران بزرگ تمام قدرت و امکانات خود را برای جلوگیری از گسترش و دستاورد های انقلاب بکار گرفته‌اند.

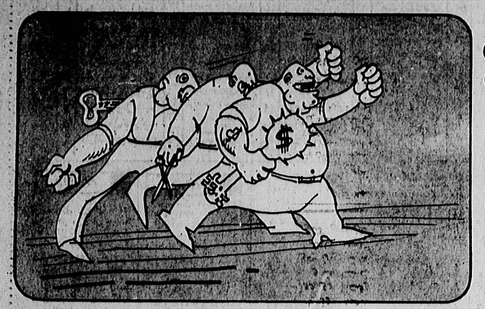

برداشتن اهرم گرانی از گرده مستضعفین نه فقط در گرو حذف عوامل سودجواست بلکه در رابطه مبادی با جذب نیروها، ایجاد اشتغال، گسترش صنایع، اجرای بند «ج» اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی، گسترش تعاونی‌ها و غیره است

گرانی همچنان بیداد می‌کند و قیمتها بطور سرسام‌آوری بالا رفته‌اند وگذران زندگی برای مستضعفین جامعه غیرممکن شده‌است. درهامعه‌ای که رشد شبه سرمایه‌داری «بیشتر» شده‌است، درهامعه‌ای که رشد شبه سرمایه‌داری «بیشتر» شده‌است، درهامعه‌ای که رشد شبه سرمایه‌داری می‌باید کسانی که با بدست شرایط اقتصادی بعد از انقلاب بکارند ویا در کارخانه و کارگاهی با دستمزد ناچیزی کار می‌کنند ویا حقوق کم اداره‌ای را می‌گیرند، افزایش قیمت گوشت، برنج، حبوبات ودیگر کالاهای مصرفی بزرگترین این‌طبقه‌اثیرات محسوس وقابل روبتی دارد. بر همین اساس است که مجلس شورای ملی فرضه و رئیس‌کابینه‌ای می‌شود که در دوره‌ای سوی دیگر گرانی تاثیر محسوسی برزندگی طبقه مرفه جامعه ندارد، این طبقه به‌اندازه کافی دارد که بتواند بکجا گوشت مصرفی یکحفته خودرا از سوپرهابتباع کند و ظریزهاء را از مواد خوراکی انباشته سازد، با در شرایط سخت با مشکلاتی روبرو نشود. درحالی‌که خود این طبقه است که به تناسب نقشی که در تولید و توزیع اقتصاد جامعه بعهده گرفته است در افزایش قیمتها، بدیه آوردن بحران اقتصادی، ایجاد احتکار و بهره‌کشی و استثمار نقش اساسی دارد.

سرمایه‌داری که ناچیزی بیش در رژیم طاغوت برای حفظ موقعیت خود حاضر بهکاری بود حالا ریشی کداشته و تسبیحی بدست گرفته است وتحتوانای‌دفاع از اسلام طرحهای انقلابی دولت را کوبنسیتی قلمداد می کند وبرای دفاع از آزادی در سرای خود مبتنیگ و کردهایی تشکل می‌دهد ویا در فکر ایجاد برای رفع ابهامات موجود درقانون اساسی فتوایی بسازدوبرای بیرون‌کردن که شده از اجرای طرح «جذب بازرگانی خارجی» و اصلاحات ارضی اسلامی، جلوگیری کند.

سرمایه‌داران همچنان حضور فعال خویش را در مرحله‌اقتصاد جامعه حفظ کرده‌اند و تجربه‌ناشرا‌جی‌ی وجه درتجارت داخلی‌میدانند‌و‌این حرکت هنوز کشور را بدست دارند و هیچکس نمی‌داند تاچه‌حد کالا وارد میکند، کجا انبار می‌کند، چه صورتتوزیع می‌کند وقیمت واقعی کالاچندبرابرست؟ معمولا کالا پس از گذشتن از چند دست بدانمی‌گزاف بدست مصرف کننده می‌رسد بصورتی که حتی خردمند فروش نیز نمی‌داند این کالا قیمت واقعی‌اش چقدربوده است، خرده فروش از دست واسطه اخریکالا را خریده است بهمین دلیل وقتی در فروش کالا برای خود سودی تعیین می‌کند، مصرف کننده که مستقیما بااین شخص در تماس است وی را بعنوان گرانفروش معرفی ودولت نیز این خودفروش را تنبیه می‌کند و ناسزاهای بایندهی، گرانفروش معدودساختگان‌اخیرا‌ست‌که‌ایجاد‌ی‌کرانفروش‌خلاف‌اسلام‌است درحالیکه روح خردمندی فروش و قیمت واقعی کالا هرگز نمی‌دانند چه‌ارزشی بعنوان

دزدی سرمایه دارد در روز روشن

این ماشینها اکنون بلااستفاده در سالنها افتاده‌اند وایران‌نژاد هرروز هزاران ریالی از آنها را بجای تعلیموتمرین‌انقلابی، دهد واین در حالیست که کارگران‌شرکت هپکو قادرند با استفاده از ابزار فوق ۴۰تا ۵۰ درصد قطعات یدکی ماشین‌آلات‌سنگین را در داخل تهیه کنند.

تامین‌وتوشدیم درزدوخورد دزداموال‌هر دومان رابرد!

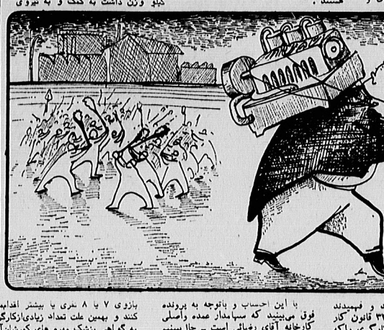

نابود ریشه قارون به زمین هیبات است
تا که این باغ لیالی زگرم سیر شود
ایکاش آنکه که آتش خشم و نفرت مردم چونان سیل زبانه می کشید وبنیادی وناپرسی را بکام خود فرو می برد ، و فریاد درداور دو گام شکسته بدنامان سلطه ظلمت را می‌شکافت و دیوارهای بلند کاخ ـ کاخ‌نشینان و مبشرت بنائی که بقول امام علی ع: «و در هر عصری و کل آن هزارها آ... وزنه و محرومیت مدفون بود ودراستخر لالائی «نرخ‌نیز بکوه رفته» موج میزد و پیشتیبان حرامیان ـ سرکوبگر ـ می گردیدند ـ کاخ‌نشینان ـ که در دوران‌سیاهی خاکسار شده ، و با نامادی می‌خزیدند ـ قادر بود بخصوص بیاد دارای هیچ‌ارزش‌باشند ولی‌بدگمان ناگهانی اعتماد تمام حاصل نمایند ـ ایکاش ماجرا به همینجا ختم میشد ، ولی متاسفانه دولت موقت را سرمایه‌داران از عدم برخورد دولت موقت با سرمایه‌داری و بتصادی جوان فعال با موتورسیکلت برای پخش نان های یلوئی ـ همبرگر ـ پاکت به همکاری دعوت میشوند متقاضیان به خیابان صدر خیابان فرشته کوچه شهید بیست شقایق‌سازمان مواد غذائی فرشتها تلفن۹۶۰۳۷۵ مراجعه نمایند

آیا آنست آیا که رفتند که رفتند آیا آیا که ماشیماند ماندند آقاعباس‌نژاد کارش به جائی رسیده که آتش خشم و نفرت مردم چونان سیل زبانه می کشید وبنیادی وناپرسی را بکام خود فرو می برد ، و فریاد دردآور دو گام شکسته بدنامان سلطه ظلمت را می‌شکافت و دیوارهای بلند کاخ ـ کاخ‌نشینان و مبشرت بنائی که بقول امام علی ع: «و در هر عصری و کل آن هزارها آ... وزنه و محرومیت مدفون بود ودراستخر لالائی «نرخ‌نیز بکوه رفته» موج میزد و پیشتیبان حرامیان ـ سرکوبگر ـ می گردیدند ـ کاخ‌نشینان ـ که در دوران‌سیاهی خاکسار شده ، و با نامادی می‌خزیدند ـ قادر بود بخصوص بیاد دارای هیچ‌ارزش‌باشند ولی‌بدگمان ناگهانی اعتماد تمام حاصل نمایند ـ ایکاش ماجرا به همینجا ختم میشد ، ولی متاسفانه دولت موقت را سرمایه‌داران از عدم برخورد دولت موقت با سرمایه‌داری و بتصادی جوان فعال با موتورسیکلت برای پخش نان های یلوئی ـ همبرگر ـ پاکت به همکاری دعوت میشوند متقاضیان به خیابان صدر خیابان فرشته کوچه شهید بیست شقایق‌سازمان مواد غذائی فرشتها تلفن۹۶۰۳۷۵ مراجعه نمایند

اتحادیه دوستی سرمایه‌داران ایران ـ ماشیماند ـ ماشیماند ـ ماشیماند

«مافیا، دولت زیرزمینی جنایت (۱)»

«صنعت جنایت» در آمریکا

از : نیوزویک — ترجمه : سید امیر ایالت

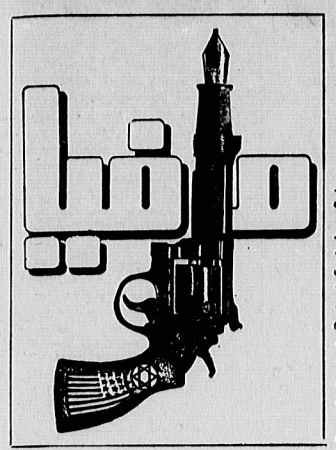

دنیای زیرزمینی جنایت در آمریکا ، یکی از پله های ترقی اجتماعی است !

ترس از جنایتکاران مافیا برای آمریکائیها بصورت‌نوعی تاریخ در آمده‌است .طی ۶۰سال،سردمداران‌جنایت سازمان یافته در آمریکا ، از برکت عطش این ملت برای شرارت هایی مثل شراب خواری، فحشاء،قمار ،مواد مخدر و پول های کلان دوران خوشی‌را گذرانده‌اند. آنهادروطنشان به اسطوره هایی بدل شده‌اند و مطبوعات از آنان غول هایی ساخته‌اند که برای اشخاص‌لاابالی خیابان ها درآمریکا بمنزله پناهی از غیرت و خوی شیطانی جلوه میکنند و تنها چیزی را که برنمی‌انگیزند ، احساس خطر است ،اینک در اواسط عمر خود ، این گروه‌اشرارپا مشکلاتی چندبدست به گریبانند ، رهبران آنها پیر شده‌اند و جوانان این دسته نیز با سنت های پیشین و روابط سببی و نسبی درون باند مراصطکاکند با این وجود تاخت و تاز های‌مستقیم باندـ مافیا در عرصه اقتصاد آمریکا هر روز خطرناکتر میشود.

بیشتر از همه برای جنایتکاران اینست که اینک بعضی از موسسات حقوقی راه هایی یافته‌اند که اگر نتوانند آنها را نابود سازند ، لااقل اخلال هایی در کار سازمان بوجود می‌آورند .

با همه اینها ، صنعت جنایت، در آمریکا بهیچوجه‌رو به زوال نیست و هنوزاصول تشکیلاتی جنایت‌مکشهوت، حرص و خون میباشد ، کاملا پابرجاست .

محاکمه ۶۰۰ جانی

سال ۱۹۸۰ شایدسال خوبی برای دنیای زیر زمینی جنایت نبود ، از آن رو که در حدود ۶۰۰ جانی‌دردادگاه های مختلف محاکمه شدند . در میان این جانیان ، چهره‌هایی از رهبران تشکیلات ، مثل‌رئیس طرانکتابری،از نیو یورک، رئیس « نیکلاس سیولا» از کانزاس و تمامی خانواده حانیان لوس‌آنجلس که متهم به باج گیری بودند و همچنین رئیس سابق شبکه جنایت نیویورک « جوزفبونانو » که متهم به جلوگیری از قانون بوده است ، به چشم میخورند .

طانبرو، خانواده جنایتکاران کالیفرنیا که تحت اسم مافیای میکی موسی، فعالیت میکند ، توسط بزرگترین‌خبرـ چین ایزد مه یعنی‌جیمی‌فراباندو ، بدام افتادند .

پلیس اینک ارزش مطلق کاری را در جهت نفوذ‌داخل مافیا ترک کرده است ، در ماجرای دیگری ، دو مامور«فدـ بی‌ـآی» و یک خبرچین بمدت یک سال خود را بصورت جدد مامور مافیا نشان جلوه دادند تا بتوانند از مکالمات سری رئیس خاندان جنایت « نیو اورلئان» یعنی « کارلوس مارچلو» نوار هائی‌ضبط کنند . مارچلو ۷۰ ساله بالاخره در ژوئن سال گذشته در یک دادگاه بانهام باج گیری ، فساد توطئه مجرم شناخته شد و تحت تعقیب قرار گرفت ،اومتهم

نانسی ، روئی و فرانکی !
رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا و همسرش درکنار عضو برجسته مافیا، «فرانک سیناترا» درجریان یک شب نشینی .

رئیس گروه ضربت مافیا در نیویورک میگوید: مکار پلیس بهتر نشده است ، آنها فقط نشسته‌اند و کفهای روی سیل را جمع میکنند !

میزان باجگیری و نزول خواری هیچوقت به این حد بالا نبوده است . با قرض هایی که کارخانه‌داران و سرمایه داران مختلف با نزول های مثل ۲۰۰ و ۳۰۰ درصد درسال گرفته‌اند در واقع جان و مال خود را تسلیم مافیا کرده‌اند.

یکی از بازرس های پلیس در مورد مافیا میگوید : « این ها مثل سوسک حمام هستند. اگر دریکجا روی آنها پا بگذاری، ازجای‌دیگر سردرمی‌آورند.»

هم‌اینک مقدار درآمد غیرقانونی که‌از صنعت تهیه نوار وصفحه موسیقی ضبط شده درآمریکا نصیب مافیا می شود بقدریست که برای گردانندگان اصلی‌این‌معرکه یعنی خود رقاصها و خوانندگان هیجیرت‌انگیز است. مافیاهمچنین فروش نقاله‌های سمی کارخانه‌های‌شیمیایی رابطور غیرقانونی دردست‌گرفته است. اخیرایک‌کارخانه شیمیائی مرتبط با مافیا منفجر شد و هنوز هم بقایای کشنده این انفجار بجای‌مانده است .

> **مافیا خطری است که باتوجه به منافع سیاستمداران ، گاه بزرك و گاه کوچك جلوه داده میشود .**

ـ کانگسترهای مافیا صنعت ذغال در آمریکا رانیز بسرعت قبضه کردند! دراین امر آنان نعتنها دست به سرقت وسایل و ابزار تولیدی گرانبها می‌زنند، بلکه‌سهام زیادی را به متقاضیانی فروخته‌اند که نمی‌دانند سهامی راکه خریده‌اند تنها یک برگ کاغذ است و از معادن مربوطه خبری نیست !

مافیا اینک در تمامی ابعاد زندگی آمریکایی نفوذ کرده است- اگر کسی درآمریکا لباس می‌خرد یا در رستورانی با رومیزی‌های دست‌بافت غذا می خورد، یا در فروشگاهها خرید می‌کند، یا از سرویس حمل زباله خصوصی استفاده می‌کند، یا در کازینوها قمار می‌کند، یا درنجارت‌های کلان سرمایه‌گذاری می‌کند ویا کتابهای مستهجن می‌خرد- وحتما باید در روز پنجرابی‌هم‌خورده باشد- مافیا آنجاست تا آن شخص را «کمک» کند !

اگر مردم شبها دراثر وحشت از خانه هایشان بیرون نمی‌آیند، شاید که توسط جیبرها آسیب‌ببینند، ازآن‌روستکه مافیاشبکه جیبرها را تقویت می‌کند. یک مامور «اف- بی- آی» می‌گوید: «همه ساله مافیا میلیون‌ها دلار بدون مالیات از اقتصاد کشور ما بجیب می زند»

البته تنها مافیا مسئول جنایات اقتصادی نیست.

فقط امیدواریم که بتوانیم کمی جلوی نفوذ آنرابگیریم.»

بازار های سنتی جنایتکاران

در درون بازار های سنتی جنایتکاران مافیا ،نفوذ این تشکیلات در حال گسترش است و قاچاق هروئین‌دیگر بارصنعتی محبوب شده است .

مامورین گروه مبارزه با مواد مخدر در آمریکا در۱۱ ماه اول سال ۱۹۸۰ بیش از ۲۰۰ کیلو هروئین بدست آورده‌اند که این مقدار یکسوم از مقدار بدست آمده‌درسال قبل بیشتر بوده است .

کارهایی مثل بورس‌بازی روی قیمتها، تیغ زدن مالی مردم درسراسر کشور و بازی استانداردکردن‌محصولات کار گروهی سرمایه‌دار است .

جنایت ، پله‌ای برای ترقی !

«ابروین ناتان» معاون دادستان کل آمریکا میگوید: «مافیا خطری‌است کمبسته به‌اقتضای منافع سیاستمداران گاه بزرگ و گاه کوچک جلوه داده می‌شود.»

یک جامعه‌شناس آمریکایی بنام «دانیل‌بل» زمانی نوشت‌که جهان زیرزمینی جنایت در امریکا یکی از پله های ترقی اجتماعی است! بعضی از جنایتکاران بالا می‌روند وبعضی مشتاقند که‌هرچه زودتر باروی‌پله‌های این نردبان بگذارند وبعضی هیچگاه این نردبان راترک نمی کنند .

مافیا، اعضای سندیکای ایتالیایی و مامورین‌اف‌بی‌آی آنرا «لاکوسا نوسترا» می‌نامند، در بالاترین پله‌های‌این نردبان است .

یکی از مهمترین مسائل در شناخت مـافیا اینست که بدانیم مافیا فقط از ایتالیایی‌ها تشکل نشده است ، بلکه یهودیها و ایرانی‌های فراوانی نیز در گرداندن این شبکه جنایت دست دارند.یک‌کارآگاه پلیس‌نیویورک می‌گوید: «این چند دسته باینکه از یکدیگر متنفرندولی بخاطر پول دورهم جمع می‌شوند»

در کنار مافیا گروههای دیگری نیز به نردبان‌جنایت آمریکا پیوسته‌اند. برای مثال می‌توان از گروههای جانی چینی در سان‌فرانسیسکو نام برد که جان تجار این ناحیه را بدلیشان رسانده‌اند وگروه مافیای‌اسرائیلی هم در لوس‌آنجلس فعالیت می‌کند. در فلوریدا سیل قاچاق مواد مخدر کلمبیایی و کوبایی همه‌جا را گرفته است. دونفر از جامعه‌شناسان آمریکائی به‌اسامی‌اسمیت و آلبا د رکتابهایشان می‌نویسند :

«جنایات متشکل و سازمان‌یافته باید بعنوان‌بخشی حقیقی از جامعه آمریکائی پذیرفته شوند. واین‌صحیح نیست که آنرا غریبه وچیزی جدا از بافت فکری و اجتماعی آمریکا معرفی کنیم.»

(ادامه دارد)

علیرغم کسادی بی سابقه و کاهش تولید ناخالص ملی

انگلیس ، سهم بیشتری از بار «ناتو» را بردوش می‌گیرد

● نابسامانیهای اقتصادی انگلستان و مسئله‌تقلیل هزینه‌های بیشتر‌پیمان ناتوازسوی این کشور ،موضوعی است‌که پوناپندپرس به تشریح و تحلیل آن پرداخته و در این باره می‌نویسد :

باحتمال قوی انگلستان کشوریست‌که بین‌متحدین آمریکا، به درخواست این کشور (آمریکا) مبنی بر بدوش کشیدن سهم بیشتری از باربهیمان ناتو ، توجه بیشتری مبذول خواهد داشت. اما اعضاء مخالف در پارلمان انگلیس نگران آن هستند که «مارگرت‌تاچر» نخست‌وزیر این کشور، در ملاقات این هفته خود با ریگان رئیس‌جمهور آمریکا ، زیربار تعهداتی برود‌که قادر بانجام آن نباشد. بعضی از منتقدین معتقدند که قدرت دفاعی انگلیس تا اندازه‌ای پراکنده است .

«فرانك کارلوچی» معاون وزیر دفاع آمریکا این هفته در یك سمینار نظامی در مونیخ، برای مقابله با شوروی، خواهان کوششهای مجدانه‌تری‌ازطرف متحدین آمریکا شدو«کوفری پاتی» معاون وزارت دفاع انگلیس فورا موافقت خودرا بانظر آمریکا اعلام داشت. وی برگسترش استراتژی جهانی «ناتو» تاکید کرد ، و پیشنهاد کرد: «ناتو» به‌کشورهای جهان سوم اسلحه بفروشد و غرب قدرت خودرا در نقاط مختلف جهان به نمایش بگذارد و نیروهای عمده «ناتو» در جهت منافع متحدین بکارگرفته شود .

«تاچر» نخست‌وزیر انگلیس نیز مانند «ریگان » در آغاز کار در مورد قدرت دفاعی بیشتر تعهد کرد، اما سئوالی که بکرات مطرح شده اینست که : آیا انگلیس اصولا باکساری که اکنون گریبانگیرش هست میتواند تعهدات زمان حال را برآورده کند ؟

البته دولت اصرار میورزد که قادر بانجام چنین کاری است. انگلیس در حال حاضر دارای ۵۵ هزار سرباز و چهار پایگاه هوائی در آلمان فدرال است . همچنین، این کشور دارای بزرگترین نیروی دریائی در غرب اروپاست. انگلیس مسئولیت یك دفاع منطقه‌ای هوائی وسیع را نیز بعهده دارد و خودداری امکانات هسته‌ای بازدارنده است.

انگلستان در ایرلند شمالی‌نیز درگیر یك بحران داخلی است . تولید ناخالص ملی که شاخص عمده بازده صنعتی است، در بزرگترین کسادی این کشور بعد از سال ۱۹۳۰ ، در سال گذشته حدود ۵ر۵ درصد کاهش یافت، ارتش ۳۳۱ هزار نفری انگلیس ۲ر۵ درصد از تولید ناخالص ملی انگلیس را به هزینه‌های دفاعی خود اختصاص داده که بیش از آمریکا،این رقم از سهم دیگر کشور عضوپیمان ناتو بیشتر است . بودجه دفاعی سال ۱۹۸۱ انگلستان حدود ۱۲ر۲۵ میلیارد پوند است که ۵ میلیارد پوند آن مختص خریدوسائل و تجهیزات خواهد شد .

از بیست‌و پنج ماه قبل که دولت محافظه کار «تاچر» مسند، هزینه دفاع ۵درصد افزایش یافته است . اکنون، کشتی ها، هواپیماها بخاطر کمبود سوخت متوقف مانده‌اند و وسائلی نیز قبل از موعد مقرر، از گردونه خارج میشوند، بعضی از طرحها باتاخیر افتاده و پایکلی بدست فراموشی سپرده شده‌اند .

با اینهمه «تاچر» نخست‌وزیر انگلیس معتقد است: ما آموخته‌ایم که تنهاراه رویاروئی‌با یك کشورقدرتمند اینستکه خود قدرتمند باشیم.

اسماعیل فهمی وزیر امور خارجه سابق‌مصر :

گروگانگیری پیروزی سیاسی ایران بحساب می‌آید

مجله عربی‌زبان «المجله» چاپ لندن در تاریخ ۴ فوریه، با اسماعیل‌فهمی‌وزیر امور خارجه سابق مصر که به‌علت مخالفت با قرارداد کمپ دیوید از مقام خود استعفا کرده بود مصاحبه‌ای بعمل آورده است . در قسمتی از این مصاحبه اسماعیل‌فهمی نظر خودرادرباره گروگانگیری جاسوسان آمریکایی توسط دانشجویان پیرو خط امام چنین بیان کرده است :«این اقدام به تلافی پشتیبانی بیدریغ ایالات متحده از نظام دیکتاتوری شاه‌انجام گرفت. مسئله گروگانگیری در حقیقت جنگ‌میان ملت‌ستمدیده ایران وایالات متحده امریکا بود.»

اسماعیل‌فهمی همچنین گفت : «ملت ایران درمقابل امریکا عکس‌العمل دیگری نمی‌توانست انجام دهد.» وی اقدام گروگانگیری جاسوسان را از نظر سیاسی بی‌نظیر خواند . اسماعیل‌فهمی در موردوست‌آورد های گروگانگیری گفت : «باتوجه به بیانیه الجزایر ، امریکا به‌قبول ظلمهایی که‌دولتکنون برملت‌ایران روادداشته اعتراف کرده است وبا دادن تعهد عدم مداخله در ایران اهمیت انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی را دریافته واین خود بمنزله پذیرفتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا می‌باشد.» در خاتمه ،اسماعیل‌فهمی اقدام گروگانگیری را باعث بهم‌زدن تعادلی ناهماهنگ‌ونامرزون در منطقه و تاثیر مثبت انقلاب اسلامی ایران در سایر کشورها دانست .

«استقلال» از نوع روسی!

پوناپندپرس ـ مسکو ـ ببرک کارمل رئیس جمهور افغانستان درسفر اخیر خود به شوروی در مجلس آن کشور گفت: «اگر شوروی بما کمك نمی‌کرد اکنون کشور ما «استقلال» نمی‌داشت!» وی درحالی که در مقابل ۶۰۰۰ نماینده ومیهمان روسی سخن می‌گفت‌اظهار داشت : ما هرگز این «کمك»را فراموش نمی کنیم» وی درپایان گفت: «زنده باد رابطه دوستانه شوروی و افغانستان!» جریان سخنرانی کارمل‌از تلویزیون‌پخش شد. درحال حاضر صد هزار سرباز روسی درافغانستان مشغول جنگ بامردم آن کشور هستند .

خاطرات

لیدی شیل

ترجمه و تنظیم : دکتر حسین ابوترابیان

همسر وزیر مختار انگلستان در اوایل سلطنت ناصرالدینشاه

۴۵

فصل هشتم (۵)

من با اینکه تخصصی در شناسائی و ارزیابی سنگهای قیمتی ندارم ولی درآن خزانه، الماسها و مروارید‌هائـی مشاهده کردم که اندازه آنها واقعا برایم حیرت‌آور بود، ولی باکمال تاسف، در استفاده از آنها و بکار بردنشان بقدری بی‌سلیقگی بخرج داده بودند که از ارزش واقعی‌این جواهرات نفیس کاسته شده بود.

از آنجا به طرف گنجه مخصوص نگهداری ظروف چینی رفتیم و مشاهده اینهمه کاسه و بشقابـو ظروف‌چینی گرانبها ، واقعا حس طمع مرا برانگیخت.در اینجاهم‌متاسف شدم که چرا این اشیاء قیمتی را چنین خوار و خفیفدر گوشه یک گنجه پنهان کرده و از نظرها دورنگهداشته‌اند.

در بازگشت به اطرقون ، مادر شاه اطاقهای قدیمی‌قصر را بمن نشان داد ، که دیوار آنها را بتازگی رنگ‌آمیزی‌و مناظر گوناگون تزئین کرده بودند. این نقاشیها شامل موضوعات مختلفی بود که مادر شاه در مقابل یکی از آنها مکث نمود و آهی کشید ، انگار که خاطرات خوشی‌رابیاد آورده است. این نقاشی منظره دشت سرسبزی را نشان میداد که در آن چادرهای ایلاتی برپا شده و گوسفندان‌و بزها مشغول چریدن بودند، درگوشه و کنار تصویرهـم زنهائی دیده میشدند که به کارهائی مثل پخت‌وپز ، آب آوردن از چشمه و دوشیدن گاوها سرگرم بودند.

مادر شاه با مشاهده این منظره روبمن کردو گفت: «این تصویر ، زندگی آزاد ایلاتی را بخوبی مجسم میکند» و بدنبال این سخن ، تمام زنهائی که بدنبال ماروان بودند با صدای بلند شروع به تحسین از این منظره دلربا کرده و یکصدا گفتند : «بله ، زندگی در زیر چادروا‌ستفاده از آب و هوای پاکیزه و کباب بره تازه ، بهترین نعمت دنیاست.»

هدیه‌ای به شوهر جفاکار

مادر شاه سپس تصویر شوهر مرحومش «محمدشاه» را نیز بمن نشان داد و همراه باآن مدتی اشک ریخت و بعلامت اندوه فراوان ، به سینه‌ام چنگ زد. من قبلامی‌دانستم که او واقعا دلبستگی فراوانی به شوهرش داشته است و این علاقه بقدری زیاد بوده که حتی یکبار- پس‌از اینکه متوجه غفلت و عدم توجه شوهرش نسبت به خـود شده ـ برای جلب علاقه او دست به کاری زده که از نظر مارو‌باشها بسیار حیرت‌انگیز است ، ولی در این مملکت انجام اینگونه کارها را نمیتوان زیاد هم غیر عادی شمرد. ماجرا باین ترتیب بود که : در زمان ولیعهدی «محمدشاه»، موقعیکه آنها در تبریز اقامت داشتند ، این خانم طی نامه‌ای استرحاما از یک نفر انگلیسی تقاضای مقداری پول کردو اینطور دلیل آورد که : چون شوهرش به سفر رفته‌و‌او میخواهد برای گرفتن خرجی به دنبالش برود ، لذا برای هزینه مسافرت احتیاج به این پول دارد، و مرد انگلیسی‌هم که استدلال او را باور کرده‌بود ، مقداری پول‌دراختیارش گذاشت، ولی همسر ولیعهد ، که انگار سرگذشت مسافر، در نظرش جلوه‌ای داشت ، از همان روش متابعت کردو بجای اینکه خودش را بشوهر برساند،با پول های‌دریافتی فورا یک کنیزک «چرکس» خرید و او را بعنوان هدیه‌ای برای بدست آوردن دل همسر جفاکار ، بسوی شوهر خود فرستاد. (۱)

خواهر شاه

چند روز بعد از ملاقات با مادر شاه ، برای دیدار‌از خواهر ناتنی شاه ، که یک دختر پانزده ساله زیبارو بود و بامادرش در یک گوشه دور افتاده و محقر از اندرون میزیست ، روانه شدم (۲).

او که بهیچوجه مورد لطف مرحمت شاه ودرباریان قرار نداشت، دختری بسیار جذاب و دوست داشتنی ،با چشمانی سحرانگیز و اندامی آنچنان ظریف و موزون‌بود، که حقا میتوانست مدل هنرمندان ایتالیائی قرار بگیرد و من بالشخصه در میان زنها و دخترانی ایرانی این چنین اندام شکیل و خوش تراشی کمتر دیده‌ام . این دختر ، لباسی به فرم معمول دیگران ـ یعنی شلیته روی شلیته ـ پوشیده و روی آنها دامنی زربافت و بسیار شق و رقیتن داشت ، که اگر آنرا در وسط اطاق قرار میدادیم، پهنان صورت برجای میماند . موهایش را نیز بدون آنکه بافته شده باشد ، بصورت حلقه حلقه درآورده و روی آنهارا با قطعات الماس زینت داده بود.

این دختر خیلی به کسب اطلاع از رسوم اروپائیها اشتیاق داشت و مسئله‌ای که فوق‌العاده جلب توجهش را کرد، این بود که چطور زنهای اروپائی هرشب موقع خوابیدن به کار دشوار لباس کنی تن درمیدهند؟ و از من میپرسید که آیا حقیقت دارد که ما در موقع ورود‌بمستر خواب ، یک پیراهن بلند سفید میپوشیم ؟ ... البته‌باید بگویم که تنها، او چنین‌بود،چون تقریبا همه زنهای‌ایرانی از وجود چنین رسمی در بین‌ما حیرت میکردند و بهیچوجه نمیتوانستند بخود بقبولانند که یک زن میتواند شب موقع خواب لباسهایش را بیرون آورده و با لباس خواب به بستر برود. زیرا آنها فقط موقعی لباس از تن بیرون‌می‌ـ کندیکه قصد حمام گرفتن داشته باشند.وگرنه ، زنهای‌ایرانی بهنگام خواب ، چادر رختخوابی را که درکنار دیوارقرار دارد باز میکنند و با همان لباس معمولی در روی تشکی که برزمین پهن کرده‌اند میخوابند و بچای پتو نیز یکلحاف پنبه‌ای برروی خود میاندازند . البته آنها اگر لباس‌فاخر و خوش دوختی را در موقع دیدار دوستان و یا حضور در مجالس مهمانی پوشیده باشند ، بهنگام خواب آنرا‌از تن خارج می‌کنند. وگرنه بجز همین گونه البسه تزئینی ، آنها هیچگاه بقیه تن‌پوش‌رابیرون‌نیاورده وحتی‌دیده‌شده‌که زمستانها، گاهی با چادر ـ که‌پوشش زنها در خارج از منزل است ـ به رختخواب میروند.

مدتی پس از ملاقاتم با خواهر ناتنی شاه ، این شاهزاده جوان یك قواره پارچه ابریشمی برایم‌فرستاد و از من خواست که اجازه بدهم خدمتکارم از این پارچه برای خودش یك پیراهن مد «فرنگی» بدوزد تا ببیند که به چه‌شکلی درمی‌آید . من نسبت به این شاهزاده خانم بدبخت خیلی احساس ترحم میکردم و بالاخره هم نفهمیدم که سرنوشت او بکجا انجامید، ولی از گوشه و کنار شنیده‌ام که او عاقبت مجبور شد تن به ازدواج بامردی بدهد که خیلی از نظر شخصیت و مقام از او پست‌تر بود ...

شتر بی صاحب

۵ فوریه (۱۸۵۱)ـ امروز موقع گردش در خارج شهر از کنار پالشتن مفلوك وبدبخت‌گذشتیم که روی زمین نشسته وبانگاهی عجزآلود بما چشم دوخته بود، چون طرز نگاه کردن این حیوان حالت عادی نداشت، لذا برای کسب اطلاع از وضع او پادرشگه به کنارش رفتیم و متوجه شدیم که این شتر بعلت وجودجراحاتی دردیدش، چون دیگر قابل استفاده نبوده، توسط صاحب سنگدلش در بیابان رها شده تامیرد . و حیوان بیچاره هم که در اثر ناتوانی و جراحت قادر به حرکت ویافتن غذا نیست ، چنین حالت عاجزانه بخود گرفته است .

من اینگونه اعمال غیرانسانی و وحشیانه را بارها در بین مردم ایران مشاهده کرده‌ام و میدانم که آنها برای رهائی از شر حیوانات پیرو از کار افتاده ، معمولا این موجودات عاجز و بی‌گناه را در خارج از شهربحال خود رها میکنند تابرائی گرسنگی و تشنگی تلف شوند،وبه زعم خود فکر میکنند که این عمل به مراتب انسانی‌تر از کشتن حیوانات برای خلاصی از دست آنهاست ، زیرا آنها جدا معتقدند که اگر کسی‌حیوانی را به آن ترتیب از رنج‌پیری و مرض راحت کند، مسلما در روز قیامت همین حیوان گریبانش را گرفته وتظلم خواهد کرد، ولی شوهر من بجای پیروی از این روش غیرانسانی ترجیح میدهد که اسبهای پیـرو فرسوده سفارتخانه را بایك تیر خلاص کند و مثل ایرانیها ، این حیوانات بدبخت و ناتوان را در کنار جاده رها نکرده و یا مانند بعضی دیگر، آنهارا بعنوان یادـ یارکش بهاسیرین نفروشد . که البته این روش او شهرت خوبی در تهران برایش فراهم نکرده و هیچکس حاضر نیست بخود بقبولاند که زیاد مهم،بمراقب‌صحیح‌تر از روش خودشان میباشد.

در این مورد، کدخدای قریه قلبك که مردم‌اخورده‌ای بود، یکروز بدشوهرم ـ که اورا بخاطر ارتکاب چندامر خلاف تهدید به‌تنبیه میکرد ـ پاسخ داده بود : «...از شما هیچ بعید نیست که مرا تنبیه کنید، چون از وزیر مختاری که اسبهای خود را بعد از یك عمر خدمت صادقانه با شلیك یك تیر میکشد ، نپایستی انتظار داشت که از تنبیه یك نوکر پیرمثل من صرفنظر کند.»

حاضرجوابی نوکر های ایرانی

درباره حاضر جوابی نوکرهای ایرانی‌هم بدنیست ماجرای زیررا که یکی از رجال ایرانی برایم تعریف کرده بشنوید :او میگفت، یکبار بخاطر ایرادی که نسبت به دست پخت آشپزش گرفته بود، چنان‌جوابی ازاو دریافت‌کرد که تا مدتها دوستانش او را دست میانداختند و اسباب مضحکه آنها شده بود، باین ترتیب که: «ویکشب درمیهمانی شام بعلت بدطعم بودن غذاها بهسراغ آشپزش فرستاد و از او در مقابل دوستان‌خود بازخواست کردکه ، چرا غذاهای دست پختش طعمـك گندیده را میدهد ؟ و آشپز هم بدون معطلی در جواب اوپاسخ گفت: «خان والا، اگر در دهان خودتان مزه سك گندیده را حس میکنید، عیب از ذائقه مبارك است، نه از غذاهای بنده.» وبا این جواب باعث شد که همه میهمانها حاضر جوابی آشپز را تحسین کردموصاحبخانه را رنجیشدند نمایند.

در باره آن شتر مفلوك افتاده در بیابان ، باید بگویم که ماجرانجام بسراغ‌مردم‌روستاهای نزدیك‌همان محل رفتیم واز عمل غیرانسانی کسانیکه این حیوان را بحال خود گذاشته بودندگله کرده و از آنها خواستیم که هرچه زودتر این شتر مجروح را از زحمت دردر بهراهند، نتیجه خواسته‌ما این شدکه در عرض چند دقیقه حدود ۲۰ نفر از روستائیان‌باخنجر وکارد به‌سراغ شتر آمدند و پس از کشتن او، هرکدام قطعه‌ای از گوشتش را برداشتند تا به‌مصرف شام شب برسانند. ولی ماجرا به همین‌جا خاتمه نیافت، چون روز بعد صاحب شتر به سفارتخانه آمد و ادعا کرد که چون شترش را بدستور ما و برخلاف مقررات کشته‌اند ، بایستی قیمت آنرا باو بپردازیم. و شوهرم که نسبت‌به چگونگی روال کار کنجکاو شده بود، در جواب صاحب شتر گفت که: بهتر است برای احقاق حق خود به مجتهد رجوع کند و البته هرچه که مجتهد دستورداد، مورد قبولش خواهد بود ، مدتی از این ماجرا نگذشت که یادداشتی از جانب مجتهد برای«کلنل‌شیل» رسید و در آن، بخاطر گستاخی وزیر مختار و اینکه صاحب شتر برای هرگونه دخل و تصرف در اموال خوداختیار تام داشته است، شوهرم را به پرداخت یکدهم قیمت شتر ـ که ۱۰ شیلینك بیشتر نمیشد ـمحکوم‌کرده بود .

(ادامه دارد)

۱ـ اشاره به‌داستان زندگی حضرت ابراهیم(ص) است که «سارا» همسر او بخاطر نازائی خود اجازه‌داد شوهرش کنیزی بنام «هاجر» را بعزنی بگیرد ، ولی در مورد فوق، ماجرا بشکل دیگری بوده و دلیل رنجش محمد شاه از «سید علیاء در تبریز» مشاهده اعمال ناشایست او بود، که سرانجام منجر به ازدواج ولیعهد با زن دیگری بنام «خدیجه خانم» از طوایف قاجار، گردید و «عباس میرزا ملك‌آراء از این زن‌جدید بدنیا آمد.

۲ـ این خواهر ناصرالدین شاه «زهرا خانم » ۴۵ داشت که مادرش جزء زنهای صیغه‌ای محمد شاه‌بود،